

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرخه، سر ما خوردگی، و... باعث گنجی ناخواسته می شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه‌رو کند.

محیط‌بانی که بانای نذرهای طبیعت است

احمد بحری، محیط‌بان ساکن استان قم مبدع طرح «نذر طبیعت» است. او که در اینستاگرام پیجی به نام «روزمرگی‌های یک محیط‌بان» دارد، یک روز یکی از دنبال‌کننده‌های این صفحه به او پیام می‌دهد و می‌گوید پدرش یک محیط‌بان بوده و می‌خواهد برای شادی روح پدرش کاری انجام دهد. آقای بحری که آن موقع در حال تامین بودجه ساخت آبخوری برای عقاب‌های سایت استان قم بود در تامین بودجه آن مشکل داشت، از کمک نقدی فالوورهای برای ساخت این آبخور استفاده می‌کند و ماجرای نذر طبیعت از همین جا آغاز می‌شود و حالا ابانی پدیده دلپذیر نذرهای طبیعت شده است.



روزمرگی‌های فوق‌العاده یک آبدارچی در فضای مجازی

شهروند | کاظم عقلمند، جوان ۳۴ ساله‌ای است که به خاطر شخصیت منحصر به فردش معروف شد. اصالتا اهل روستای صومعه زرین شهرستان سراب در استان آذربایجان شرقی است، اما متولد عبدال‌آباد تهران با مدرک تحصیلی سیکل. آقای عقلمند اما مانند نام فامیلی‌اش با زندگی‌اش عاقلانه کنار آمد و در حالی که آبدارچی یک شرکت در تهران بود، درس خواندن را هم در کنار کارش شروع کرد. در کنار اینها گاهی هم برای دل خودش در وبلاگ، فیس‌بوک و اینستاگرام هم می‌نوشت و هیچ وقت فکر نمی‌کرد که یک روز «روزمرگی‌های یک آبدارچی» مسیر زندگی‌اش را عوض کند. کاظم عقلمند حالا دیپلمش را گرفته و الان ترم سوم رشته علوم ارتباطات است. او که ۱۰ سال به شغل خدماتی آبدارچی مشغول بود و در این دوران ازدواج کرد و بچه‌دار شد، یکی از معروف‌ترین کاربران اینستاگرام است تا جایی که چندسال پیش اکانت اصلی حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران هم او را فالو کرد. پیج او که نزدیک به ۶۰ هزار دنبال‌کننده دارد بازتابی از زندگی معمولی و روزانه او در محیط کار و خانه‌اش است و در بیوگرافی پیجش نوشته است: «برای یک روز هم که شده، دنبال چیزهایی که نداری نرو! از چیزهایی که داری لذت ببر.» با همه اینها عقلمند که با پیج «روزمرگی‌های یک آبدارچی» معروف شد، چندروزی است که از کارش استعفا کرده و می‌گوید: «دیگر نمی‌خواهم آبدارچی باشم، اما من هنوز هم همان آبدارچی هستم. آبدارچی‌ای که پیشرفت کرد.»

هیچ وقت نفهمیدم چرا رئیس جمهوری مرافالو و آنفالو کرد

قبلا هم یک سری از آدم‌های معروف مثل خانم بهنوش بختیاری مرافالو کرده بود ولی هیچ کدام مثل رئیس جمهوری برایم این قدر جذاب نبود

آقای عقلمند به عقب‌تر برگردیم. به این که اصلا چه اتفاقی افتاد که شما این قدر مخاطب جذب کردید و دیده شدید؟

آقای عقلمند به عقب‌تر برگردیم. به این که اصلا چه اتفاقی افتاد که شما این قدر مخاطب جذب کردید و دیده شدید؟

چون می‌خواهم شادی‌هایم را با مخاطبانم تقسیم کنم

آقای عقلمند بعد از این که پیج شما دیده شد، طبیعتا خیلی از کاربران اینستاگرام هم به این فکر افتادند که پیجی مشابه شما درست کنند؛ درست است؟

شاید دلیلش این بود که با عشق و علاقه از زندگی روزانه و معمولی‌تان لذت می‌بردید.

بله؛ الان خیلی زیاد شده. بیشترین روزمرگی‌ها هم پیج خانم‌های خانه‌دار است؛ روزمرگی‌های مریم جون، روزمرگی‌های شهناز، روزمرگی‌های میناز. در حالی که به هر حال همان طور که گفتیم کلا واژه روزمرگی با محتوای خیلی از پیج‌ها در تضاد است.

رئیس جمهوری تا چه مدت فالوور تان بود؟

اولین باری که با پیج شما برخورد کردم و با عنوان «روزمرگی‌های یک آبدارچی» روبه‌رو شدم، فکر کردم به خاطر واژه «روزمرگی» دلنوشته‌های تان هم گمگین یا گلايه آمیز و ناامیدکننده است اما بر خلاف بار معنایی منفی که دارد، محتوایش نشان می‌دهد که با همه داشته‌ها و نداشته‌ها از زندگی تان لذت می‌برید.

بله؛ الان خیلی زیاد شده. بیشترین روزمرگی‌ها هم پیج خانم‌های خانه‌دار است؛ روزمرگی‌های مریم جون، روزمرگی‌های شهناز، روزمرگی‌های میناز. در حالی که به هر حال همان طور که گفتیم کلا واژه روزمرگی با محتوای خیلی از پیج‌ها در تضاد است.

پس دلیل استعفا تان چه بود؟

بله؛ شاید در آمد خوبی داشته باشد ولی من دنبال یک شغلی هستم که شغل اولم حساب شود و اینستاگرام و درآمدش در کنار شغل اصلی‌ام باشد.

پس دلیل استعفا تان چه بود؟

بله؛ شاید در آمد خوبی داشته باشد ولی من دنبال یک شغلی هستم که شغل اولم حساب شود و اینستاگرام و درآمدش در کنار شغل اصلی‌ام باشد.

بله؛ شاید در آمد خوبی داشته باشد ولی من دنبال یک شغلی هستم که شغل اولم حساب شود و اینستاگرام و درآمدش در کنار شغل اصلی‌ام باشد.

بله؛ شاید در آمد خوبی داشته باشد ولی من دنبال یک شغلی هستم که شغل اولم حساب شود و اینستاگرام و درآمدش در کنار شغل اصلی‌ام باشد.

بله؛ شاید در آمد خوبی داشته باشد ولی من دنبال یک شغلی هستم که شغل اولم حساب شود و اینستاگرام و درآمدش در کنار شغل اصلی‌ام باشد.

بله؛ شاید در آمد خوبی داشته باشد ولی من دنبال یک شغلی هستم که شغل اولم حساب شود و اینستاگرام و درآمدش در کنار شغل اصلی‌ام باشد.

بله؛ شاید در آمد خوبی داشته باشد ولی من دنبال یک شغلی هستم که شغل اولم حساب شود و اینستاگرام و درآمدش در کنار شغل اصلی‌ام باشد.

بله؛ شاید در آمد خوبی داشته باشد ولی من دنبال یک شغلی هستم که شغل اولم حساب شود و اینستاگرام و درآمدش در کنار شغل اصلی‌ام باشد.

بله؛ شاید در آمد خوبی داشته باشد ولی من دنبال یک شغلی هستم که شغل اولم حساب شود و اینستاگرام و درآمدش در کنار شغل اصلی‌ام باشد.



• آقای عقلمند شما معروف‌ترین آبدارچی ایران هستید و با صفحه‌ای به نام «روزمرگی‌های یک آبدارچی» در اینستاگرام مخاطبان زیادی جذب کردید؛ اما مدتی است که از کارتان بیرون آمدید. درست است؟
 بله؛ دوهفته است که از کارم استعفا دادم.
 • ببخشید که زک می‌پرسم ولی دلیلش این نبود که حالا می‌توانید با تبلیغاتی که در صفحه اینستاگرام تان می‌گذارید، کسب در آمد کنید؟
 اصلا. اینستاگرام سفره‌ای است که الان خداوند به من داده و معلوم نیست تا چه زمانی. من قبلا هم وبلاگ‌نویس بودم و زمانی که یک سری آدم‌های معروف با ۳ تا کامنت از خوشحالی خوابشان نمی‌برد، من روزی ۱۵ تا کامنت در وبلاگ می‌گرفتم ولی الان آبدارچی‌اش هم یاد نمی‌آید و تمام شد و رفت. منظورم این است که کلا فضای مجازی چندان جای قابل اعتمادی نیست که بخواهم به خاطر آن کار کنم. من زن و بچه دارم و کلاز کودکی کار کردم و نمی‌توانم در خانه بنشینم و ۲۴ ساعت توی گوشی باشم و تبلیغ بگیرم.
 • ولی درآمدش خوب است.
 بله؛ شاید در آمد خوبی داشته باشد ولی من دنبال یک شغلی هستم که شغل اولم حساب شود و اینستاگرام و درآمدش در کنار شغل اصلی‌ام باشد.
 • پس دلیل استعفا تان چه بود؟
 من بی‌نهایت از ریسک کردن می‌ترسم و چون خودم را می‌شناسم، می‌دانستم تا روزی که آبدارچی باشم، نمی‌توانم به کار دیگری فکر کنم. برای همین تصمیم گرفتم که بیکار شوم تا برای شغل و ایده‌های جدیدی که در ذهنم دارم، تصمیم بگیرم.
 • الان که خیلی‌ها می‌دانند شما از کارتان بیرون آمدید، پیشنهاد کار هم دارید؟
 به هر حال به خاطر تعداد فالووری که دارم، پیشنهادهای شغلی زیادی داشتم. یک سری دوباره پیشنهاد شغل آبدارچی را به من می‌دهند که خوب طبیعتا من دیگر به این کار فکر نمی‌کنم و اگر می‌خواستم خوب در همان شرکتی که کار می‌کردم، می‌ماندم. ولی یک سری‌ها پیشنهادهایی مثل فروشندگی یا کافی‌شاپ می‌دهند که مثلا سرمایه از آنها کار از من. ولی من خودم به ایده‌های دیگری فکر می‌کنم.
 • چه شغلی را دوست دارید؟
 یک شغلی که خیلی دوست دارم، کار در حوزه کودک است. مثل داشتن یک شهر بازی یا زمین بازی کوچک برای کودکان.